پژوهش‌های پولی-بانکی
سال ششم، شماره ۱۸، زمستان ۱۳۹۲
صفحات ۵۹-۹۰

الگوی نظارت شرعی بر بانک‌های کشور براساس دیدگاه خبرگان بانکداری اسلامی

سید عباس موسویان [*]
عادل آذر [†]
حسین میسمی [‡]

تاریخ دریافت: ۱۳۹۲/۱۰/۲۴ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۰۴/۲۳

چکیده

این پژوهش تلاش می‌کند تا ضمن تبیین مفهوم «نظارت شرعی» و شناسایی انواع الگوهای اجرایی آن در بانک‌های اسلامی سایر کشورها، به ارائه الگوی مطلوب نظارت شرعی بر بانک‌های کشور بپردازد. در این پژوهش با روش دلفی سه مرحله‌ای به گردآوری نظرات خبرگان بانکداری اسلامی در کشور اقدام گردید و جهت تحلیل اطلاعات گردآوری شده و رتبه‌بندی ویژگی‌های الگوی مطلوب، به‌ترتیب از آزمون‌های دوجمله‌ای و تحلیل واریانس فریدمن استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که اولاً، در سه دهه گذشته قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌خوبی اجرایی نشده و نظارت شرعی متناسب با آن، در بانک مرکزی یا دیگر بانک‌ها به شیوه صحیح عملیاتی نشده است؛ ثانیاً، در بین الگوهای مختلف نظارت شرعی، مورد مطلوب برای نظام بانکی کشور «مدل حداکثری» است و ثالثاً، لازم است در اجرای الگوی نظارت شرعی مطلوب، اقتضائات و ویژگی‌های خاص نظام بانکی کشور مورد توجه قرار گیرند. یافته‌های این پژوهش زمینه‌های اجرای بهتر قانون عملیات بانکی بدون ربا و ارتقای سطح «انطباق با شریعت» در عملکرد بانک‌های کشور را فراهم می‌کند.

واژه‌های کلیدی: شورای فقهی، حاکمیت شرعی، انطباق با شریعت، بانکداری اسلامی
طبقه‌بندی JEL: L87، O10، O16، Z10

[*] دانشیار، پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی، قم؛ samosavian@yahoo.com
[†] استاد، دانشکده مدیریت و اقتصاد، دانشگاه تربیت مدرس، تهران؛ azara@modares.ac.ir
[‡] پژوهشگر، گروه بانکداری اسلامی، پژوهشکده پولی و بانکی، تهران و دانشجوی دکتری، دانشگاه امام صادق (ع)، تهران؛ meisami@isu.ac.ir (نویسنده مسئول)
این مقاله مستخرج از طرحی پژوهشی است که به سفارش پژوهشکده پولی و بانکی به انجام رسیده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۱ مقدمه

بر اساس بند اول ماده یک قانون عملیات بانکی بدون ربای کشور (مصوب ۱۳۶۲)، نخستین هدف نظام بانکی «استقرار نظام پولی و اعتباری بر مبنای حق و عدل (با ضوابط اسلامی) به‌منظور تنظیم گردش صحیح پول و اعتبار در جهت سلامت و رشد اقتصاد کشور» است. مسلماً فراهم‌نمودن زمینه‌های تحقق چنین هدفی در وهله اول برعهده بانک مرکزی بوده و لازم است این بانک زمینه‌های نظارتی متناسب با این قانون را ارائه نماید. اما بررسی تجربه نظام بانکی کشور در سه دهه اخیر به‌خوبی نشان می‌دهد که نظارت بر اجرای بانکداری بدون ربا از وضع مطلوبی برخوردار نبوده است و باوجود تمام پیشرفت‌های به‌دست‌آمده، همچنان چالش‌های زیادی وجود دارد که این خود ضرورت اصلاح وضع موجود را مطرح می‌نماید.[۱]

اهمیت این موضوع زمانی بهتر درک می‌گردد که توجه شود گرچه جمهوری اسلامی ایران از جمله معدود کشورهایی است که در آن قانون عملیات بانکی بدون ربا (زودتر از خیلی کشورها) به تصویب رسیده و بر خلاف بسیاری از کشورها، نظام بانکداری اسلامی در کل کشور اجرا می‌شود و بزرگ‌ترین بانک‌های جهان اسلام نیز در این کشور مشغول به فعالیت هستند، اما مسئله نظارت بر شرعی‌بودن عملیات بانکی آن‌طور که انتظار می‌رود، انجام نشده و نمی‌شود. لذا این یک واقعیت است که بعد از گذشت حدود سه دهه از تصویب قانون عملیات بانکی بدون ربا، هنوز هم برخی از علما، نخبگان و عامه مردم در رابطه با انطباق فعالیت‌های بانکی با تعالیم شرعی تردید دارند.[۲] با توجه به این مطلب، به‌نظر می‌رسد که باید با استفاده از تجارب بانک‌های اسلامی در سایر کشورها در زمینه راه‌اندازی نظارت شرعی[۳]، الگوی نظارتی خاص، جهت پایش اسلامی‌بودن عملکرد بانک‌ها[۴] ارائه شده و جهت اجرا در اختیار بانک مرکزی قرار گیرد.

پژوهش حاضر تلاش می‌کند تا ضمن تعریف نظارت شرعی و شناسایی الگوهای اجرا شده، مدل مناسب برای نظام بانکی کشور را بر اساس نظر خبرگان استخراج نموده و ویژگی‌هایی را که لازم است در این مدل وجود داشته باشد تبیین نماید. با توجه به آنچه

---

[۱] موسویان، نظرپور و کفشگر (۱۳۸۸)، ص. ۱۱

[۲] موسویان ، میسمی، محمدزاده و خوانساری (۱۳۹۱)، ص. ۵

[3] Shariah supervision

[۴] هر چند در این پژوهش تمرکز اصلی بر بانک‌های کشور است، اما مباحث مطرح‌شده مخصوص شبکه بانکی نبوده و می‌تواند در اکثر مؤسسات اعتباری غیربانکی و مالی کاربرد داشته باشد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مطرح شد، پرسش اصلی این پژوهش عبارت است از: «مدل مطلوب نظارت شرعی بر بانک‌های کشور از دیدگاه خبرگان بانکداری اسلامی چیست و لازم است واجد چه ویژگی‌های اساسی باشد؟».

پس از مقدمه و مروری بر ادبیات پژوهش‌های انجام‌شده در بخش ۲، در بخش ۳ تعریف نظارت شرعی و گونه‌شناسی الگوهای اجرایی آن در کشورهای مختلف ارائه می‌گردد. سپس، در بخش ۴ روش دلفی[1] و مراحل اجرای آن توضیح داده شده و در بخش ۵ تجزیه و تحلیل اطلاعات و نتایج دورهای دلفی ارائه می‌شود. بخش ۶ نیز از مباحث ارائه‌شده نتیجه‌گیری نموده و توصیه‌های سیاستی مشخصی ارائه می‌کند.

۲ ادبیات پژوهش

هرچند ادبیات گسترده‌ای در رابطه با موضوع نظارت شرعی وجود ندارد، اما معدود پژوهش‌هایی به زبان انگلیسی و فارسی در این رابطه انجام شده که در این قسمت گزارش می‌شود.

زولکفلی[2] (۲۰۱۱) با استفاده از روش پژوهش کیفی و تهیه پرسش‌نامه‌ای مبسوط، به گردآوری و تحلیل دیدگاه‌های افراد عضو در شوراهای شریعت برخی بانک‌های اسلامی می‌پردازد. در این پژوهش، تلاش می‌شود تا دیدگاه صاحب نظران در رابطه با وجود پنج ویژگی در کمیته‌های فقهی گردآوری گردد. این ویژگی‌ها عبارت‌اند از: مناسب‌بودن حاکمیت شرکتی، میزان استقلال شورای شریعت در بانک یا مؤسسه مالی اسلامی، رقابت بین اعضای کمیته فقهی، شفافیت عملکرد اعضا و نهایتاً، افشای صحیح و به‌موقع اطلاعات در رابطه با وضعیت مؤسسه از منظر شریعت.

زولکفلی (۲۰۱۰) به بررسی موفقیت‌ها و چالش‌های راه‌اندازی الگوی نظارت شریعت در برخی از کشورهای اسلامی پرداخته و نیز تلاش می‌کند تجارب مختلف را در گروه‌های گوناگون دسته‌بندی کند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد نظارت شرعی دارای مدل واحدی نبوده و کشورهای مختلف با توجه به ساختارهای متفاوتی که دارند و همچنین با توجه به سطحی از بانکداری اسلامی که اجرا می‌نمایند، به استفاده از الگوهای گوناگون نظارت شرعی اقدام کنند.

موسویان و همکاران (۱۳۹۱) به بررسی «حاکمیت شرعی[3]» در بانک‌ها و مؤسسات

[1] Delphi method
[2] Zulkifli
[3] Shariah governance

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با بانک‌های ایران می‌پردازند. یافته‌های این پژوهش نشان می‌دهد که تمامی بانک‌های اسلامی فعال در کشور انگلستان اقدام به تشکیل شورای فقهی نموده و این شورا بر «انطباق با شریعت[1]» فعالیت‌های بانک نظارت دارد. اما در ایران معمولاً بانک‌های کشور فاقد شورای فقهی بوده و شورای فقهی صرفاً در بانک مرکزی تشکیل شده است.

موسویان و همکاران (۱۳۸۸) با روش توصیفی و تحلیل محتوا به بررسی این فرضیه می‌پردازند که تشکیل شورای فقهی، سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی را ارتقا داده و با نظارت بر انطباق قوانین و عملکرد بانک‌ها با موازین اسلامی، فضای اعتماد به‌نفس را برای کارگزاران و فضای اطمینان را برای مشتریان بانک فراهم می‌کند. در این پژوهش، راه‌اندازی الگوی نظارت شرعی، ابزاری جهت کاهش ریسک شریعت، روزآمد کردن قوانین بانکداری اسلامی و طراحی ابزارهای مالی جدید معرفی شده است.

با بررسی ادبیات موجود می‌توان به این نتیجه رسید که تمرکز اصلی پژوهش‌های گذشته بر ضرورت تشکیل و کارکردهای شورای فقهی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری غیر بانکی بوده و کمتر بر شناسایی الگوهای موجود نظارت شرعی در سایر کشورها و استخراج ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی برای نظام بانکی ایران تمرکز نموده‌اند. ازاین‌رو، به‌نظر می‌رسد پژوهش حاضر دارای نوآوری باشد.

۳ تعریف نظارت شرعی و گونه‌شناسی الگوهای اجرایی آن

بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی، لازم است ویژگی‌های خاصی داشته باشند و مقام ناظر وظیفه دارد همواره وجود این ویژگی‌ها را مورد ارزیابی و پایش قرار دهد. برخی از مهم‌ترین ویژگی‌هایی که لازم است در عملیات بانکداری اسلامی موجود باشد، عبارت‌اند از: عادلانه بودن تمامی روابط و مناسبات، سازگاری تمامی رفتارها با اخلاق اسلامی و تأمین اصول، مبانی، قواعد و دستورات فقهی در حوزه معاملات (مانند عدم اکل مال به باطل، نبود ربا، نبود غرر، نبود ضرر و نهایتاً درک صحیح طرفین از ماهیت روابط و وجود قصد معامله). ازاین‌رو، طبیعی است که نظارت بر بانک‌های اسلامی در برخی از حوزه‌ها، متفاوت از نظارت بانکی سنّتی باشد.[2]

به عبارت دیگر، مسئله نظارت بر بانک‌های اسلامی، ابعاد خاصی پیدا می‌کند که یکی از

[1] Shariah compliance

[2] قطان (۲۰۰۶)، ص. ۳۱

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

موارد آن، «ریسک شریعت»[۱]، و ضرورت «نظارت شرعی» است. با استفاده از منابع موجود، می‌توان ریسک شریعت را این‌گونه تعریف نمود: «ریسک شریعت، خطری است که نظام بانکی به دلیل عدم انطباق فعالیت‌هایش با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام، ممکن است با آن مواجه شود».[۲]

بر این اساس، نظارت شرعی نیز به این صورت قابل تعریف است: «نظارت شرعی کلیه اقدامات احتیاطی و نظارتی به‌منظور اطمینان از انطباق فعالیت‌های بانک یا مؤسسه مالی اسلامی با اصول و قوانین شریعت مقدس اسلام است. هدف از این نظارت در نهایت دست‌یابی به اقدامات، فعالیت‌ها، تدابیر، اصول و روش‌هایی است که به وسیله آنها بتوان ریسک شریعت در نظام بانکی (به طور عام) و یا یک مؤسسه مالی و یا بانک اسلامی (به طور خاص) را حداقل نمود و یا کاهش داد».[۳]

بررسی تجربه نظارت شرعی و کمینه‌سازی ریسک شریعت در سطح بین‌المللی، حاکی از آن است که اکثر بانک‌ها و مؤسسات اسلامی فعال در سایر کشورها، به تعابیر گوناگونی مانند شورای تخصصی فقهی، شورای فقهی، شورای شریعت، کمیته شریعت و غیره، به این موضوع پرداخته‌اند.[۴]

شوراهای فقهی در بانک‌های اسلامی سایر کشورها کار ویژه‌های گوناگونی را برعهده دارند که برخی از مهم‌ترین آنها عبارت است از: درون‌زا نمودن نظارت شرعی در بانک اسلامی، تنظیم قراردادها و دستورالعمل‌های اجرایی مطابق با ضوابط شرعی، ارائه خدمات آموزشی در رابطه با اصول شریعت به مدیران و کارکنان، ارائه مشورت شرعی به مشتریان، پاسخ به پرسش‌های شرعی ذی‌نفعان (مدیران، کارکنان و مشتریان)، مشاوره‌های موردی به مدیران ارشد، ارائه مشاوره انتخاب عقد به تسهیلات‌گیرندگان، انجام بازرسی‌های شرعی در راستای تضمین اجرای صحیح عقود، تدوین گزارش سالانه انطباق با شریعت و تقویت برند و جایگاه بانک در زمینه بانکداری اسلامی.[۵]

بررسی دقیق‌تر این تجارب نشان می‌دهد که کشورهای مختلف در زمینه نظارت شرعی

---

[1] Shariah risk

[2] Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions (AAOIFI) (2010), p. 42

[۳] همان، ص. ۵۳

[4] Islamic Financial Services Board (2009), p. 3

[۵] موسویان و همکاران، ص. ۹ و کمسیون اوراق بهادار مالزی (۱۳۸۵)، ص. ۱۱

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

الگوی‌ها مختلفی را اجرا کرده‌اند که تفاوت‌های قابل‌توجهی دارند؛ مانند: سطح نظارت (که یا در داخل بانک‌ها اجرا شده یا توسط نهادی مرجع مانند بانک مرکزی و یا هر دو)، اختیارات ناظرین شرعی بانک‌ها (که می‌تواند مشورتی، نظارتی و یا اجرایی باشد)، اختیارات ناظرین شرعی مرجع (ناظران بانک مرکزی یا دولت)، مرجع انتخاب‌کننده اعضای شورای فقهی بانک (که می‌تواند هیئت مدیره و یا مجمع عمومی بانک باشد)، اجباری یا اختیاری‌بودن نظارت شرعی (که در برخی کشورها بانک مرکزی یا دولت تشکیل شورای فقهی را اجباری کرده‌اند و در برخی دیگر اختیاری است)، مرجع عالی حل اختلاف (جهت حل مشکلات و اختلافاتی که ممکن است بین اعضای شورای فقهی یک بانک و یا بانک‌های مختلف به وجود آید) و نهایتاً وجود قانون واحد (که در برخی کشورها قانون واحدی جهت تشکیل شوراهای فقهی در بانک‌ها وجود دارد و در برخی دیگر ندارد). در جدول ۱ به تفاوت‌های نظارت شرعی در کشورهای مختلف اشاره شده است.

به‌منظور تحلیل بهتر، می‌توان با درنظرگرفتن سه شاخص اصلی، تجارب کشورهای مختلف در نظارت شرعی را گروه‌بندی نمود. این سه شاخص عبارت‌اند از: «وجود قانون واحد در رابطه با نظارت شرعی»، «وجود نهاد نظارت شرعی مرجع در بیرون از مؤسسه» و نهایتاً «اجباری یا اختیاری بودن نظارت شرعی». با استفاده از این سه شاخص، می‌توان تجربه تمامی کشورها را در سه گروه جای داد که عبارت‌اند از:

۱) رویکرد حداقلی: نهادهای قانون‌گذار در برخی کشورها در زمینه نظارت شرعی رویکرد حداقلی دارند. بدین معنا که معتقدند هرچند وجود نظارت شرعی بر بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی ضروری است، اما این نظارت باید در حداقل‌های ممکن باشد (شامل کشورهای عربستان، انگلستان، آمریکا).

۲) رویکرد حداکثری: در برخی دیگر از کشورها، رویکرد غالب در نظارت شرعی، رویکرد حداکثری است. منظور از رویکرد حداکثری آن است که نهادهای قانون‌گذار معتقدند لازم است حداکثر نظارت بر شرعی‌بودن فعالیت مؤسسات مالی اسلامی انجام شود (شامل کشورهای مالزی، اندونزی، بحرین و امارات).

۳) رویکرد میانی: این رویکرد درواقع حدفاصل دو رویکرد قبلی است و در برخی از کشورها مورد استفاده قرار گرفته است (شامل کشورهای کویت و قطر).

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۱

مشابهت‌ها و تفاوت‌های نظارت شرعی در کشورهای مختلف

شاخص‌ها / نام کشور	سطح نظارت	اختیارات ناظرین شرعی بانک‌ها	اختیارات ناظرین شرعی مرجع	مرجع انتخاب‌کننده	اجباری یا اختیاری‌بودن نظارت شرعی	مرجع عالی حل اختلاف	وجود قانون واحد
مالزی	بانک مرکزی و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره بانک	اجباری	شورای ملی مشورتی شریعت	بله
آمریکا	بانک‌ها	مشورتی و نظارتی	-	هیئت مدیره بانک	اختیاری	-	خیر
عربستان	بانک‌ها	مشورتی و نظارتی و اجرایی	-	مجمع عمومی بانک	اختیاری	کمیته حل اختلافات	خیر
اندونزی	بانک مرکزی و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره بانک	اجباری	هیئت ملی شریعت	بله
بحرین	بانک مرکزی و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی و نظارتی	هیئت مدیره بانک	اجباری	هیئت ملی مشورتی شریعت	بله
امارات متحده عربی	دولت و بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	مشورتی، نظارتی و اجرایی	هیئت مدیره بانک	اجباری	مرجع عالی شریعت	بله
کویت	بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	-	مجمع عمومی بانک	اجباری	کمیته فتاوا (وزارت اوقاف)	بله
قطر	بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	-	هیئت مدیره بانک	اجباری	شورای عالی شریعت	بله
انگلستان	بانک‌ها	مشورتی، نظارتی و اجرایی	-	هیئت مدیره بانک	اجباری	-	خیر

یادداشت. اطلاعات این جدول با مراجعه به تارنمای بانک‌های اسلامی فعال در کشورهای مختلف و همچنین قوانین مرتبط با بانکداری اسلامی استخراج گردیده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

شاید به جرئت نتوان گفت که کدام یک از الگوهای نظارت شرعی بهتر و کاربردی‌تر از دیگری است، اما یک نکته را می‌توان از این اختلاف در تجارب برداشت نمود و آن اینکه هر یک از کشورها با توجه به شرایط و ساختار اجتماعی، قوانین بالادستی، مکتب فقهی رایج و غالب، میزان اسلامی‌بودن فضای جامعه و نیز تقاضای مشتریان، به تعدیل الگوی نظارت شرعی خود پرداخته است.

اکنون پرسش موردنظر آن است که جایگاه ایران در مقوله نظارت شرعی چگونه است. در این رابطه بررسی تجربه جمهوری اسلامی ایران در زمینه نظارت شرعی نشان می‌دهد که هرچند این کشور از جمله معدود کشورهایی است که در آن قانون مرتبط با بانکداری اسلامی به تصویب رسیده است، تمامی بانک‌ها تحت این قانون به فعالیت مشغول‌اند و بر خلاف بسیاری از سایر کشورهای اسلامی، بانک‌های غیراسلامی (به‌عنوان رقیب بانک‌های اسلامی) در آن وجود ندارد، اما متأسفانه مسئله نظارت شرعی، متولی رسمی و قانونی مشخصی ندارد (هرچند در چند سال اخیر شورای مشورتی فقهی در بانک مرکزی تشکیل شده و به‌صورت ماهیانه جلساتی برگزار می‌نماید). عدم‌توجه مناسب به مقوله نظارت شرعی آثار مخرب فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی در جامعه به‌وجود آورده که عدم‌اطمینان نخبگان، افراد متدیّن و عموم جامعه به اسلامی‌بودن عملکرد نظام بانکی، یکی از این آثار سوء است.[۱]

ارزیابی دقیق‌تر تجربه ایران نشان می‌دهد که نظارت شرعی بر بانک‌های این کشور دارای ویژگی‌های خاصی است. اول آنکه بانک‌ها و مؤسسات مالی ملزم به تأسیس کمیته فقهی نیستند (هرچند برخی از بانک‌ها به‌صورت خودجوش چنین شورایی تشکیل داده‌اند)؛ دوم آنکه شورای فقهی بانک مرکزی به‌عنوان مرجع عالی فقهی در حوزه بانکداری اسلامی، جایگاه قانونی نداشته و تنها اختیارات مشورتی دارد؛ سوم آنکه هیچگونه قانونی در رابطه با نظارت شرعی وجود ندارد. چهارم آنکه هیچ بخشی در داخل بانک مرکزی و یا در داخل بانک‌ها مسئولیت شرعی‌بودن عقود مورداستفاده در مؤسسه، فهم صحیح طرفین امضاکننده عقود در بانک نسبت به ماهیت آنچه که امضا می‌کنند و غیره (که همگی جزء ابتدایی‌ترین پیش‌فرض‌های اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا در کشور هستند)، را برعهده ندارد. با توجه به این نکات، می‌توان مدعی بود که الگوی فعلی نظارت شرعی در

---

[۱] به‌عنوان نمونه آیت‌الله نوری همدانی از مراجع تقلید در این رابطه بیان داشته‌اند که: «متأسفانه ربا هنوز در بانک‌های ایران وجود دارد و تنها شکل آن تغییر کرده است» (به نقل از تارنمای:

http://alef.ir/1388/content/?view/92476

تاریخ مراجعه به تارنما: ۱۳۹۲/۳/۶.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

کشور در گروه رویکردهای حداقلی در نظارت شرعی (و حتی در سطحی پایین‌تر از آن) قرار می‌گیرد.

همان‌طور که ملاحظه شد، رویکرد حداقلی در نظارت شرعی مخصوص کشورهایی است که حجم عملیات بانکداری اسلامی، بخش بسیار کوچکی از کل فعالیت‌های بانکی را به خود اختصاص می‌دهد؛ مانند انگلستان و آمریکا. اما در کشوری مانند ایران، که کل عملیات بانکی باید اسلامی باشد و از طرفی هر یک از بانک‌ها دارای هزاران شعبه در شهرها و روستاهای مختلف هستند، به‌نظر می‌رسد رویکرد حداقلی در نظارت شرعی به‌هیچ وجه مناسب نبوده و لازم است به سمت سایر رویکردها جهت‌گیری شود.

در این پژوهش به‌منظور شناخت دقیق‌تر وضع موجود نظارت شرعی بر بانک‌های کشور و بررسی این مطلب که الگوی مطلوب چیست و چه ویژگی‌هایی باید داشته باشد تا سازگار با شرایط بومی کشور ایران گردد، با استفاده از روش دلفی به نظرات خبرگان بانکداری اسلامی مراجعه گردید. در ادامه ابتدا به توضیح مختصر روش دلفی و شیوه استفاده از آن در این پژوهش پرداخته شده و پس از آن جمع‌بندی نظرات خبرگان ارائه می‌گردد.

۴ کلیات روش دلفی و مراحل اجرای آن در این پژوهش

روش دلفی، یکی از روش‌های پژوهش کیفی است که به‌منظور کسب دانش گروهی در موضوعی خاص مورد استفاده قرار می‌گیرد. این روش فرایندی است که دارای ساختار پیش‌بینی و کمک به تصمیم‌گیری بوده و در طی مراحل (راندها و یا دورها) پیمایشی، در راستای گردآوری نظرات خبرگان و ایجاد اجماع بین آنان حرکت می‌کند، درحالی‌که اکثر پیمایش‌ها سعی در پاسخ به پرسش «چه هست» دارند، دلفی به پرسش «چه باید باشد» پاسخ می‌دهد. در ادامه در رابطه با روش دلفی و شیوه اجرای آن توضیحات مختصری ارائه می‌شود.

۱.۴ تعریف

ارزیابی ادبیات موجود به خوبی نشان می‌دهد که پژوهشگران گوناگون دلفی را فن، رویکرد، مطالعه، پیمایش، رأی‌گیری، روش و مطالعه اجماع نامیده‌اند.[۱] این تنوع واژه، باعث شده تا اختلافاتی در بین پژوهشگران در تعریف روش دلفی به‌وجود آید.

[۱] ایمانی جاجرمی (۱۳۷۹)، ص. ۲

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۲.۴ اهداف

مهم‌ترین هدفی که در روش دلفی دنبال می‌شود، دسترسی به مطمئن‌ترین توافق گروهی خبرگان درباره موضوعی خاص است که با استفاده از پرسش‌نامه و نظرخواهی از خبرگان (در چند مرحله) صورت می‌پذیرد. این روش، بررسی کاملی از عقاید خبرگان، با سه ویژگی اصلی است که عبارت‌اند از: پاسخ بی‌طرفانه به پرسش‌ها (پرسش‌نامه‌ها)، تکرار دفعات ارسال پرسش‌ها و دریافت بازخورد از آنها و نهایتاً، تجزیه و تحلیل آماری از پاسخ‌های دریافت شده به‌صورت گروهی.[۱]

۳.۴ کاربردها

درحال‌حاضر روش دلفی ابعاد کاربردی بسیاری یافته و در رشته‌های متعددی مانند بازرگانی، مدیریت، صنایع، سیاستگذاری و همچنین برنامه‌ریزی شهری و منطقه‌ای مورد استفاده قرار گرفته‌است. آینده‌نگری فنّاوری، تجزیه و تحلیل خدمات دولتی، ابداعات آموزشی، طراحی و برنامه‌ریزی، پیش‌بینی جهت‌گیری سازمان‌ها، بخش‌بندی مشتریان و شناخت مناسب‌ترین گروه برای برنامه‌ریزی، برخی از حوزه‌های علمی است که با روش دلفی مورد پیمایش واقع شده‌اند.[۲]

۴.۴ مراحل اجرای دلفی در این پژوهش

در این بخش در رابطه با مراحل استفاده از روش دلفی در پژوهش حاضر توضیح داده می‌شود. پیش از ورود جزیی در تبیین مراحل دلفی، لازم است به این پرسش پاسخ داده شود که اساساً چرا روش دلفی برای مسئله اصلی پژوهش حاضر، یعنی «استخراج الگوی مطلوب نظارت شرعی در نظام بانکی کشور و ویژگی‌های آن» انتخاب گردیده است.

دلیل انتخاب روش دلفی در این پژوهش آن است که اولاً هدف پژوهش حاضر بیش از آنکه شناخت وضع موجود نظارت شرعی باشد، تبیین الگوی مطلوب آن است و می‌خواهد مشخص کند که شیوه مناسب نظارت شرعی برای بانکی که در ایران فعالیت دارد، چگونه است و این بانک نمونه چگونه باید از انطباق فعالیت‌هایش با شریعت اطمینان حاصل کند. به‌نظر می‌رسد که روش دلفی برای دستیابی به چنین هدفی مناسب است.

دومین دلیل آن است که منابع، مستندات، اطلاعات و یا داده‌های مشخصی در رابطه با

---

[۱] احمدی، نصیریانی و اباذری (۱۳۸۷)، ص. ۳

[2] Tapio (2003), p. 15

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مسئله نظارت شرعی در بانک‌های کشور موجود نیست. در این شرایط طبعاً گزینه‌ای بجز مراجعه به نظر خبرگان و صاحب‌نظران وجود ندارد که روش دلفی نیز اساساً به چنین نیازی پاسخ می‌دهد.

ارزیابی ادبیات موجود دلفی نشان‌دهنده آن است که از روش دلفی جهت کشف و یا رتبه‌بندی ویژگی‌های الگوی مطلوب در موضوعات گوناگون استفاده کرده‌اند. با توجه به اینکه هدف این پژوهش نیز کشف الگوی مطلوب و رتبه‌بندی ویژگی‌های آن است، به‌نظر می‌رسد استفاده از روش دلفی مناسب بوده و با روش‌های مورد استفاده در ادبیات سازگاری دارد. این خود سومین دلیل استفاده از روش دلفی در این پژوهش را تشکیل می‌دهد.

کیفی بودن داده‌های خام پژوهش، آخرین دلیل استفاده از روش دلفی در این پژوهش است. درواقع با توجه به نوع داده‌ها، روش پژوهش باید روش کیفی باشد؛ از بین روش‌های کیفی نیز دلفی مناسب‌ترین گزینه است.

۱.۴.۴ تشخیص و تعریف مسئله

مسئله اصلی این پژوهش شناخت الگوی مطلوب نظارت شرعی بر بانک‌های کشور ایران و استخراج ویژگی‌های آن (بر حسب اولویت) است. البته یک مسئله مقدماتی نیز وجود دارد که پاسخ صحیح به مسئله اصلی، مستلزم پاسخ‌گویی به آن است. شناخت وضع موجود نظارت شرعی در کشور، مسئله فرعی را شکل می‌دهد. بنابراین پرسش‌های اصلی و پرسش فرعی پژوهش عبارت‌اند از:

۱) پرسش مقدماتی: وضع موجود نظارت شرعی بر نظام بانکی در کشور ایران چگونه است؟
۲) پرسش اصلی اول: الگوی مطلوب نظارت شرعی بر نظام بانکی در کشور ایران چه باید باشد؟
۳) پرسش اصلی دوم: ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی بر نظام بانکی در کشور ایران بر حسب اولویت کدام است؟

۲.۴.۴ تعیین شاخص‌های انتخاب هیئت خبرگان (پانل)

دومین گام در اجرای روش دلفی در این پژوهش، تعیین شاخص‌های انتخاب خبرگان است. درواقع لازم است معیارها و مشخصه‌هایی ارائه شوند تا خبرگان بر اساس این ملاک‌ها انتخاب گردند. مسلماً با توجه به موضوع پژوهش «نظارت شرعی بر اجرای بانکداری بدون ربا در شبکه بانکی کشور»، خبرگان پژوهش باید صاحب‌نظر «بانکداری اسلامی» به‌لحاظ نظری و عملی باشند. درواقع باید از دو «معیار» کلی برخوردار باشند؛ یکی صاحب‌نظر بودن

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

در حوزه بانکداری اسلامی به‌عنوان حوزه‌ای علمی و دیگری آشنایی عملی با شبکه بانکی کشور. به‌منظور کاربردی نمودن معیارها، لازم است «شاخص‌های عملیاتی» برای هر معیار ارائه شود. این شاخص‌ها با مطالعه ادبیات و همچنین مشورت با برخی از استادان برجسته بانکداری اسلامی در کشور انتخاب و در جدول ۲ ارائه شده است. در پژوهش حاضر «خبره بانکداری اسلامی» فردی است که در هر معیار، واجد حداقل یک شاخص باشد (یعنی، از هر یک از ستون‌های جدول ۲، حداقل دارای یک مورد باشد).

جدول ۲

معیارها و شاخص‌های انتخاب هیئت خبرگان (پانل)

	شماره	معیارها: صاحب‌نظر بودن در حوزه بانکداری اسلامی	معیارها: آشنایی با شبکه بانکی کشور
شاخص‌ها	۱	چاپ حداقل یک کتاب تالیفی در حوزه بانکداری اسلامی	سابقه همکاری با بانک مرکزی، مؤسسه عالی بانکداری و پژوهشکده پولی و بانکی در هر سطحی (با حداقل سه سال سابقه همکاری).
	۲	چاپ حداقل یک کتاب ترجمه‌ای در حوزه بانکداری اسلامی	سابقه همکاری در یکی از بانک‌های کشور در هر سطحی (با حداقل سه سال سابقه همکاری).
	۳	چاپ حداقل دو مقاله علمی-پژوهشی در حوزه بانکداری اسلامی	سابقه همکاری در یکی از مؤسسات اعتباری غیربانکی در هر سطحی (با حداقل سه سال سابقه همکاری).
	۴	انجام حداقل یک پروژه در حوزه بانکداری اسلامی	عضو شورای فقهی بانک مرکزی و یا یکی از بانک‌های کشور (با حداقل یک سال سابقه).
	۵	تدوین پایان‌نامه کارشناسی‌ارشد و یا دکترا در حوزه بانکداری اسلامی	در اختیار داشتن جایگاه مشورتی در بانک مرکزی و یا یکی از بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور (با حداقل یک سال سابقه).
	۶	تدوین رساله سطح چهار حوزه علمیه در موضوع بانکداری اسلامی	سابقه همکاری به مدت حداقل سه سال در وزارتخانه‌ها، مؤسسات و سازمان‌های اقتصادی که به‌صورت غیرمستقیم با نظام بانکی در ارتباطند (مانند سازمان بورس، وزارت اقتصاد، بیمه مرکزی و غیره).

۳.۴.۴ تعیین جامعه، انتخاب نمونه و شیوه‌های ارتباط با هیئت خبرگان (پانل)

سومین گام در اجرای روش دلفی، تعیین جامعه و نمونه است. در این رابطه با استفاده از شاخص‌های ارائه‌شده در جدول ۲ و همچنین مشورت با برخی از صاحب‌نظران برجسته بانکداری اسلامی در کشور، این نتیجه حاصل شد که حدود ۴۰ نفر از هر دو معیار، یعنی

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

«توانمندی علمی» و «سابقه اجرایی»، حداقل واجد یک شاخص هستند. به عبارت دیگر، جامعه خبرگان بانکداری اسلامی در کشور جامعه‌ای ۴۰ نفره است.

در رابطه با نمونه‌گیری، هرچند ادبیات روش پژوهش کیفی شیوه‌های مختلفی برای انجام این کار ارائه می‌کنند، اما در این پژوهش با توجه به اینکه تعداد کارشناسان بانکداری اسلامی در کشور محدود است (جامعه ۴۰ نفره)، تلاش شد جهت بالاتر بردن کیفیت پژوهش، کل جامعه مورد پیمایش قرار گیرد. به عبارت دیگر، نمونه این پژوهش کل جامعه انتخاب گردید.

شیوه ارتباط با اعضای پانل به این صورت بود که در مرحله اول فهرست خبرگان واجد صلاحیت تهیه گردید و با تمامی آنها تماس تلفنی گرفته شد.[۱] در این تماس پژوهشگران ضمن توضیح موضوع پژوهش به خبرگان، مراحل پژوهش و ابعاد کار را تبیین نموده و نظر خبرگان را در رابطه با مشارکت در پژوهش جویا شدند. در این مرحله از مجموع ۴۰ خبره، ۳۲ نفر برای با همکاری در پژوهش اعلام آمادگی نمودند.

۴.۴.۴ پرسش‌نامه دور اول دلفی (پرسش‌نامه باز)

در مرحله اول دلفی پرسش‌نامه‌ای سه بخشی تهیه گردید که هم شامل پرسش‌نامه‌های مقدماتی و هم شامل پرسش‌نامه اصلی دلفی بود. پرسش‌نامه مقدماتی اول به مقوله وضع موجود نظارت شرعی در کشور می‌پرداخت. درواقع از خبرگان می‌خواست تا از طریق هشت پرسش (مندرج با طیف لیکرت) به این پرسش پاسخ دهند که آیا در سه دهه‌ای که از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گذرد، نظارت شرعی در راستای زمینه‌سازی اجرای صحیح این قانون وجود داشته است یا خیر؟ پرسش‌نامه مقدماتی دوم (از طریق چهار پرسش مندرج با طیف لیکرت) بر مقوله الگوی مطلوب نظارت شرعی و آنچه باید باشد، تمرکز نمود.

اما بخش سوم پرسش‌نامه دور اول، به مسئله ویژگی‌های الگوی مطلوب اختصاص یافت. در این قسمت با توجه به ادبیات نظارت شرعی و همچنین با مشورت با برخی از صاحب‌نظران بانکداری اسلامی در کشور، مجموعه‌ای از ۲۰ ویژگی انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ای شامل ۲۰ گویه (مندرج با طیف لیکرت) تهیه شد. این ویژگی‌ها به دو دسته تقسیم گردیدند. دسته اول، ویژگی‌های مرتبط با الگوی مطلوب نظارت شرعی «پیش از

[۱] در موارد معدودی (به‌ویژه در رابطه با خبرگانی که در خارج از کشور بودند)، امکان هماهنگی تلفنی فراهم نشد و ارتباط از طریق رایانامه صورت پذیرفت.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

اجرا»[1] و دسته دوم ویژگی‌های مرتبط با الگوی مطلوب نظارت شرعی «پس از اجرا»[2] را در خود جای می‌داد. در این بخش از خبرگان خواسته شد تا با انتخاب یکی از گزینه‌های طیف، نظر خود را در رابطه با هر ویژگی اعلام کنند. لازم به ذکر است پرسش‌نامه این بخش «غیرساختاریافته و باز» بود؛ به عبارت دیگر، در این پرسش‌نامه از خبرگان خواسته شده بود تا اگر احساس می‌کنند ویژگی خاص و مهم دیگری وجود دارد که در این فهرست نیامده است، آنرا در قسمت انتهایی پرسش‌نامه یادداشت نمایند تا در دوره‌های بعدی اضافه شود.

در رابطه با شیوه تکمیل پرسش‌نامه مرحله اول یادآوری می‌شود که به‌منظور بالابردن کیفیت پژوهش و با مشورتی که با برخی از صاحب‌نظران آمار و روش پژوهش انجام شد، نهایتاً تصمیم بر آن شد تا مرحله اول دلفی از طریق «مصاحبه‌های شفاهی و حضوری عمیق» با خبرگان انجام شود و این کار با دقت زیادی صورت پذیرد. در این مرحله پژوهشگران شخصاً به خبرگان مراجعه و ضمن توضیح موردبه‌مورد پرسش‌ها، نظرات مبسوط آنها در مورد هر گویه را یادداشت کردند. همچنین، آنها ضمن مکتوب‌نمودن مصاحبه‌ها، گویه‌های جدید موردنظر خبرگان و همچنین دلایلی را که بعضاً در موافقت یا مخالفت با هر گویه ارائه می‌شد، دریافت کردند.[3]

۵.۴.۴ پرسش‌نامه دور دوم دلفی (پرسش‌نامه بسته)

پس از برگزاری مرحله اول دلفی، این نتیجه حاصل شد که خبرگان ۲۰ ویژگی اولیه را تأیید و هفت ویژگی جدید را نیز مطرح نمودند. این هفت ویژگی به پرسش‌نامه دور اول اضافه و پرسش‌نامه دوم با ۲۷ گویه در اختیار خبرگان قرار گرفت.[4] در این پرسش‌نامه از خبرگان درخواست شد تا بر اساس طیف لیکرت[5] مجدداً تمامی گویه‌ها را مورد اظهارنظر قرار دهند. در این پرسش‌نامه جدید، خبرگان در رابطه با هفت ویژگی جدید ابتداً اظهارنظر کرده و علاوه بر این، نظرات خود در رابطه با ۲۰ عامل گذشته را تعدیل کردند.

---

[1] ex-ante

[2] ex-post

[3] هر مصاحبه به‌طور میانگین ۴۵ دقیقه به طول انجامید.

[4] یادآوری می‌شود به‌دلیل اهمیت مرحله اول دلفی و اینکه اکثر پرسش‌های خبرگان در رابطه با پژوهش در این مرحله مطرح می‌شود، تنها در دور اول نظرات خبرگان از طریق «پرسش‌نامه همراه با مصاحبه شفاهی» گردآوری گردید. اما در مراحل دوم و سوم، به‌طور عمده فقط به ارسال پرسش‌نامه اکتفا شد و مصاحبه شفاهی به‌ندرت صورت پذیرفت.

[5] Likert spectrum

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۶.۴.۴ پرسش‌نامه دور سوم دلفی (پرسش‌نامه نهایی جهت رتبه‌بندی)

یافته‌های مرحله دوم دلفی نشان داد که خبرگان تمامی ۲۷ گویه مطرح‌شده را مورد تأیید قرار دادند که این خود نشان‌دهنده ایجاد «اشباع تئوریک، اقناع نظری و شکل‌گیری اجماع نسبی» است. با توجه به این مطلب، در مرحله سوم دلفی، بر مقوله رتبه‌بندی عوامل و گویه‌ها تمرکز شد. با طراحی پرسش‌نامه‌ای بسته، از خبرگان خواسته شد نظر نهایی خود را در رتبه‌بندی عوامل بیان کنند. یادآور می‌شود در پرسش‌نامه دور سوم، میانگین نمره و یا امتیازی که مجموع خبرگان به هر یک از گویه‌ها داده بودند نیز در یک ستون درج گردید و از خبرگان درخواست شد تا با توجه به میانگین امتیاز تخصیص‌یافته، در صورت نیاز به اصلاح امتیازاتی که در دوره‌های قبلی به هر یک از گویه‌ها داده بودند، بپردازند.

۵ تجزیه و تحلیل اطلاعات

هدف از این بخش، تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از سه مرحله دلفی با استفاده از روش‌های آماری مرتبط است. در ابتدا در رابطه با موضوعی مقدماتی، یعنی روایی و پایایی پرسش‌نامه بحث شده و روش‌های آماری مورد استفاده تبیین می‌شود. در نهایت یافته‌های به‌دست‌آمده از هر یک از مراحل دلفی برجسته می‌گردد.

۱.۵ روایی و پایایی پرسش‌نامه

همان‌طور که در ادبیات روش پژوهش تأکید شده است، اولین گام در موفقیت پرسش‌نامه، تأیید روایی و پایایی آن است. روایی (اعتبار[1]) پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ می‌دهد که «آیا ابزار اندازه‌گیری موردنظر می‌تواند ویژگی و خصوصیتی را که ابزار برای آن طراحی شده است، اندازه‌گیری کند» به عبارت دیگر، ابزار اندازه‌گیری تا چه حد خصیصه موردنظر پژوهش را می‌سنجد.[2]

در این پژوهش به‌منظور تضمین روایی پژوهش، از نظرات برخی از خبرگان بانکداری اسلامی در کشور استفاده گردید. به‌علاوه، با توجه به اینکه در پژوهش حاضر تمامی جامعه مورد پیمایش قرار گرفت (تمامی ۴۰ خبره بانکداری اسلامی در کشور) و در دور اول، مصاحبه حضوری با پرسش‌نامه باز انجام شد، نظرات و دیدگاه‌های خبرگان در رابطه با پرسش‌نامه دریافت شد که روایی ابزار اندازه‌گیری را تا حدود زیادی تأمین نمود.

---

[1] validity

[2] سرمد، بازرگان و حجازی (۱۳۸۹)، ص. ۷۷

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

ارزیابی «پایایی» ابزار، دومین گام در موفقیت پرسش‌نامه را شکل می‌دهد. پایایی (اعتماد[1]) پرسش‌نامه به این پرسش پاسخ می‌دهد که «آیا ابزار اندازه‌گیری در شرایط یکسان، نتایج یکسانی به‌دست می‌دهد» به عبارت دیگر، اگر ابزار اندازه‌گیری در یک فاصله زمانی کوتاه چندین بار به یک گروه واحد از افراد داده شود، آیا نتایج حاصل نزدیک به‌هم خواهند بود.

بر اساس آنچه در ادبیات روش پژوهش مطرح می‌شود، برای اندازه‌گیری پایایی، لازم است از شاخصی به نام «ضریب پایایی» استفاده شود. دامنه ضریب پایایی عددی از صفر تا یک است؛ به نحوی که ضریب پایایی صفر معرف عدم‌پایایی و ضریب پایایی یک معرف پایایی کامل است. پایایی کامل به‌ندرت دیده شده و در صورت مشاهده، قبل از هر چیز باید به نتایج شک کرد.[2]

یکی از روش‌های مرسوم برای محاسبه ضریب پایایی، «آلفای کرونباخ»[3] است. در این پژوهش به‌منظور ارزیابی پایایی از این شاخص استفاده گردید. هرچند بنا به توصیه استادان آمار و روش پژوهش، به دلیل پژوهش در جامعه‌ای محدود نیاز به استفاده از آن احساس نمی‌شد، اما به‌منظور جلوگیری از اختلاف‌نظر خبرگان، پایایی ابزار به کار رفته در این پژوهش، از طریق این معیار محاسبه شد. نتایج نشان داد که ضریب مذکور برای پرسش‌نامه نهایی (شامل ۲۷ عامل) برابر با ۰/۷۴ است. با توجه به اینکه این عدد بالاتر از ۰/۷۰ است، بنابراین می‌توان گفت ابزار پژوهش پایایی لازم را دارد.

۲.۵ روش‌های آماری مورداستفاده

همان‌طور که پیش‌تر نیز اشاره شد، یکی از مهم‌ترین مراحل دلفی، تحلیل نتایج به‌دست‌آمده از پرسش‌نامه‌های تکمیل‌شده در مراحل (دورها) است. در ادبیات موجود روش مشخصی برای تحلیل و مدیریت اطلاعات تولیدشده در مراحل دلفی ارائه نشده و این مسئله به تنوع رویکردها در تحلیل نتایج دلفی منجر گردیده است. به‌هرحال، پژوهشگران تأکید نموده‌اند که روش‌های تحلیل لازم است بر اساس هدف دلفی، ساختار دورها، نوع پرسش‌ها و تعداد شرکت‌کنندگان تعیین شود. بنابراین طبیعی است که شیوه تحلیل از یک

[1] reliability

[2] خلیلی شورینی (۱۳۸۶)، ص. ۳۴

[3] Cronbach alpha

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

پژوهش به پژوهش دیگر، تغییر کند.[1] در پژوهش حاضر پس از مشورت با برخی از استادان برجسته آمار و روش پژوهش، روش‌های آماری ذیل مورد استفاده قرار گرفت.

۱.۲.۵ آمار توصیفی

از آمار توصیفی[2] جهت بررسی ویژگی‌های جمعیت‌شناختی نمونه مورد بررسی استفاده می‌شود. در این پژوهش نیز این کار انجام شده است که در بخش نتایج دورها به آن اشاره می‌شود.

۲.۲.۵ آزمون دوجمله‌ای

آزمون دوجمله‌ای[3]، آزمونی ناپارامتری است که در آن بر مبنای یک مقدار یا مشخصه، به بررسی موفقیت و شکست پرداخته می‌شود. این آزمون به بررسی این مسئله می‌پردازد که آیا نیمی از افراد جامعه عملکرد بالا دارند یا خیر (در نیمی از آنها موفقیت وجود دارد یا خیر). در این آزمون چنانچه سطح معنی‌داری کمتر از میزان خطا باشد، بالابودن و یا وجود متغیر موردنظر استنباط می‌شود. از آنجا که این آزمون معمولاً در سطح خطای پنج درصد انجام می‌شود، برای رسیدن به این نتیجه باید سطح معنی‌داری کمتر از ۰/۰۵ باشد.[4]

در پژوهش حاضر، پرسش‌های پرسش‌نامه از مقیاس‌های نسبی (طیف لیکرت) برخوردارند و برای کمّی‌کردن آنها از معیارهای جدول ۳ می‌شود استفاده گردید. در این طیف برای گزینه‌های کاملاً مخالفم، تا حدی مخالفم، بی‌نظرم، تا حدی موافقم و کاملاً موافقم به‌ترتیب اعداد یک تا پنج در نظر گرفته شد. با این شیوه اطلاعات کیفی و ناپارامتریک با مقادیر عددی و کمّی تعبیر شدند. مجدداً یادآوری می‌شود که در این پژوهش ۴۰ پرسش‌نامه در نمونه (که برابر جامعه بود) توزیع گردید که از این تعداد ۳۲ مورد گردآوری شده و موردتحلیل قرار گرفت.

در عمل برای انجام آزمون دوجمله‌ای از نرم‌افزار SPSS نسخه ۱۶ استفاده شد؛ به این صورت که ابتدا در فرمان binomial مقادیر حدی تعریف گردید: جهت مثبت و موافق (پیروزی) برای کسانی که پاسخ کاملاً موافق و تا حدی موافق می‌دهند، بدون نظر برای افرادی که پاسخ بی‌نظر می‌دهند و نهایتاً جهت منفی و مخالف (شکست) برای کسانی که گزینه‌های کاملاً مخالف و تا حدی مخالف را انتخاب می‌نمایند. بر اساس این تقسیم‌بندی

---

[1] Theodore & Gordon (2009), p. 77

[2] descriptive statistics

[3] binomial test

[4] سرمد و همکاران، ص. ۱۲۶

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

می‌توان تمامی خبرگان را به دو دسته تقسیم کرد: افرادی که نظر موافق دارند و آنها که نظرشان منفی است.[۱] با توجه به آنچه مطرح شد فرضیه‌های مورد آزمون دوجمله‌ای بدین صورت رابطه ۱ قابل ارائه است.

$$\begin{cases} H_0 : p \leq ۰/۶ \\ H_1 : p > ۰/۶ \end{cases} \qquad (۱)$$

جدول ۳
طیف لیکرت پرسش‌نامه

نظر خبرگان	میزان عامل اندازه‌گیری
کاملاً مخالفم	۱
تا حدی مخالفم	۲
بی‌نظرم	۳
تا حدی موافقم	۴
کاملاً موافقم	۵

فرضیه صفر معادل پاسخ‌های منفی و بی‌پاسخ (افرادی که گزینه‌های کاملاً مخالف، تاحدی مخالف و بی‌نظر را انتخاب کرده‌اند) و فرضیه جایگزین معادل پاسخ‌های مثبت (کاملاً موافق و یا تا حدی موافق) است. دلیل انتخاب عدد ۰/۶ آن است که مقدار p=۰/۶ حد آستانه‌ای درنظرگرفته شده است.

۳.۲.۵ آزمون فریدمن

آزمون فریدمن[۲]، آزمونی ناپارامتری است که از آن برای مقایسه میانگین رتبه‌ها در بین K متغیر (گروه) استفاده می‌شود. در عمل برای انجام آزمون فریدمن نیز از نرم‌افزار SPSS ویرایش ۱۶ استفاده شد. در این آزمون فرضیه صفر مبتنی بر یکسان‌بودن میانگین رتبه‌ها در بین تمامی گروه‌هاست. ردشدن فرضیه صفر بدان معنی است که بین گروه‌ها حداقل دو گروه با یکدیگر اختلاف معنی‌داری دارند که در این صورت، امکان رتبه‌بندی عوامل فراهم می‌شود.[۳]

[۱] خلیلی شورینی، ص. ۳۴

[2] Friedman

[۳] خلیلی شورینی، ص. ۷۷

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

۶. نتایج دورهای دلفی: الگوی مطلوب نظارت شرعی و ویژگی‌های آن

همان‌طور که ملاحظه شد، این پژوهش در سه مرحله به انجام رسید که مرحله اول، دریافت نظرات خبرگان با پرسش‌نامه باز، مرحله دوم، دریافت نظرات با پرسش‌نامه بسته و نهایتاً مرحله سوم، رتبه‌بندی عوامل توسط خبرگان را مورد توجه قرار دادند. در ادامه به نتایج هر یک از مراحل اشاره می‌شود.

۱.۶ نتایج آمار توصیفی (اطلاعات جمعیت‌شناختی نمونه)

در این پژوهش جامعه خبرگان بانکداری اسلامی بر اساس شاخص‌های تعریف‌شده، مجموعه‌ای ۴۰ نفره در نظر گرفته شد و تلاش شد تا با تمامی آنها ارتباط برقرار شود؛ درواقع تعداد اعضای نمونه برابر با تعداد اعضای جامعه بود. پس از تماس با ۴۰ خبره و توضیح پژوهش، درنهایت ۳۲ نفر حاضر به مشارکت در پانل دلفی شدند. ویژگی‌های جمعیت‌شناختی این نمونه آماری بدین صورت است که سه نفر از خبرگان زن و ۲۹ نفر مرد هستند؛ به لحاظ تحصیلات دو نفر دارای تحصیلات کارشناسی، پنج نفر کارشناسی‌ارشد و بیست و پنج نفر دارای مدرک دکتری هستند؛ علاوه بر این، اکثر این خبرگان (۲۶ نفر) در کنار تحصیلات دانشگاهی از تحصیلات حوزوی (سطح یک، دو و یا خارج) نیز برخوردار بوده‌اند و یا در دانشگاه‌هایی تحصیل کرده‌اند که دروس حوزوی نیز در آنها تدریس می‌شود (مانند دانشگاه امام صادق (ع) و یا دانشگاه مفید). در کنار آشنایی علمی با بانکداری اسلامی، سوابق اجرایی نیز جزء شاخص‌های انتخاب خبرگان بود که در این رابطه هفت نفر از خبرگان زیر ۵ سال، ۱۳ نفر بین ۵ تا ۱۰ سال، ۹ نفر بین ۱۰ تا ۱۵ سال و سه نفر نیز دارای بیش از ۲۰ سال سابقه اجرایی در نظام بانکی (و یا بخش‌های مرتبط) بوده‌اند.

۲.۶ نتایج دور اول (وضع موجود و مطلوب نظارت شرعی)

در مرحله اول دلفی پرسش‌نامه‌ای سه بخشی تهیه گردید که شامل دو پرسش‌نامه مقدماتی و پرسش‌نامه اصلی دلفی بود. پرسش‌نامه مقدماتی اول، به مقوله وضع موجود نظارت شرعی در کشور می‌پرداخت. نتایج پرسش‌نامه که با طیف لیکرت برگزار گردید، از طریق آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. یادآور می‌شود فرض صفر، موافق (پیروزی) و فرض جایگزین، مخالف (شکست) در نظر گرفته شد. نتایج این تحلیل در جدول ۴ ارائه شده است.

در تحلیل نتایج جدول ۴ می‌توان این‌طور بیان نمود که سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برای تمامی گویه‌ها کمتر از میزان آلفای پژوهش (پنج درصد) است و بنابراین می‌توان گفت فرض

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

صفر رد شده و خبرگان با تمامی هشت گویه مطرح‌شده موافق هستند. از این‌رو، می‌توان مدّعی بود که به‌طور میانگین ۳۲ خبره پژوهش، معتقدند که در سه دهه گذشته قانون عملیات بانکی بدون ربا به خوبی اجرایی نشده است و نظارت شرعی متناسب با آن، نه در بانک مرکزی و نه در سایر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌صورت صحیحی عملیاتی نشده است.

حال نوبت به پرسش‌نامه مقدماتی دوم می‌رسد. این پرسش‌نامه از طریق چهار پرسش مندرج با طیف لیکرت، بر مقوله الگوی مطلوب نظارت شرعی و آنچه باید باشد، تمرکز نمود. نتایج این پرسش‌نامه که با طیف لیکرت برگزار گردید، از طریق آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. یادآور می‌شود باز هم فرض صفر، موافق (پیروزی) و فرض جایگزین، مخالف (شکست) در نظر گرفته شد. نتایج این تحلیل در جدول ۵ ارائه شده است.

در تحلیل نتایج جدول ۵ می‌توان این‌طور بیان نمود که سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برای تمامی گویه‌ها کمتر از میزان آلفای پژوهش (پنج درصد) است و بنابراین می‌توان گفت فرض صفر رد شده و خبرگان با تمامی چهار گویه مطرح‌شده موافق هستند. از این‌رو، می‌توان مدعی بود که به طور میانگین ۳۲ خبره پژوهش معتقدند که راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور به اجرای بهتر قانون عملیات بانکی بدون ربا کمک می‌نماید و لازم است بانک مرکزی مسئولیت آن را برعهده داشته باشد. همچنین از منظر خبرگان، لازم است الگوی نظارت شرعی در نظام بانکی کشور مدلی حداکثری بوده و ویژگی‌ها و اقتضائات خاص ایران را نیز در خود جای داده باشد.

پرسش‌نامه سوم، به تبیین دقیق ویژگی‌های مذکور اختصاص یافته است. در این پرسش‌نامه با توجه به ادبیات نظارت شرعی و تجربیات مؤسسات بین‌المللی فعال در این حوزه (که در بخش‌های پیش مورد بررسی قرار گرفت) و همچنین با مشورت با برخی از صاحب‌نظران بانکداری اسلامی در کشور، مجموعه‌ای از ۲۰ ویژگی انتخاب گردید و پرسش‌نامه‌ای شامل ۲۰ گویه (مندرج با طیف لیکرت) تهیه شد. پرسش‌نامه این قسمت «غیرساختاریافته و باز» بود؛ به عبارت دیگر در این پرسش‌نامه از خبرگان خواسته شده بود تا اگر احساس می‌کنند ویژگی خاص و مهم دیگری وجود دارد که در این فهرست نیامده است، آنرا در بخش پایانی پرسش‌نامه ذکر نمایند تا در دورهای بعدی اضافه شود. نتایج این پرسش‌نامه باز نشان‌دهنده آن بود که خبرگان ضمن تأیید تمامی ۲۰ گویه اولیه، هفت گویه جدید نیز به آنها اضافه نمودند. در بخش بعد به گویه‌های اولیه و همچنین هفت گویه جدید اشاره می‌شود.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۴

نظرات خبرگان در مورد اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا و وضع موجود نظارت شرعی

شماره	گویه	سطح معنی‌داری	درصد موافقت	تایید یا رد فرضیه پایه
۱	درحال‌حاضر قانون عملیات بانکی بدون ربا به‌صورت صحیحی اجرایی نشده است.	۰/۰۰۰	۹۵	رد
۲	درحال‌حاضر در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور، تعداد زیادی از عقود اسلامی به‌صورت صوری و ظاهری (غیرواقعی) انجام می‌شود.	۰/۰۰۰	۸۷	رد
۳	درحال‌حاضر، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور به حقوق سپرده‌گذاران (در سپرده‌های سرمایه‌گذاری) که بانک را وکیل خود نموده‌اند، توجه کافی نمی‌کنند.	۰/۰۳۶	۶۵	رد
۴	درحال‌حاضر، بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور به حقوق سرمایه‌گذاران که در عقود مختلف اسلامی وجود دارد، توجه کافی نمی‌کنند.	۰/۰۸۸	۶۴	رد
۵	درحال‌حاضر متصدیان نظام بانکی این‌طور می‌پندارند که تأیید قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط شورای نگهبان، اجرای صحیح آن را نیز تضمین می‌کند و لذا نیازی به نظارت بر انطباق فعالیت‌ها با شریعت وجود ندارد.	۰/۰۰۰	۸۹	رد
۶	درحال‌حاضر هیچ نهاد قانونی و رسمی در کشور، وظیفه نظارت بر اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا (انطباق فعالیت‌ها با شریعت) در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری را برعهده ندارد.	۰/۰۱۸	۶۷	رد
۷	درحال‌حاضر در اکثر بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور، هیچ بخشی رسمی به‌منظور تضمین انطباق با شریعت فعالیت‌ها (شامل شرعی‌بودن قراردادها، پاسخ به پرسش‌های شرعی مشتریان، مشورت به ذی‌نفعان مرتبط و نظارت بر اجرای صحیح عقود اسلامی) وجود ندارد.	۰/۰۰۸	۶۹	رد
۸	بانک مرکزی به عنوان متولی اصلی اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا، تاکنون نظارت بر انطباق فعالیت‌ها با شریعت را به خوبی اجرایی ننموده است.	۰/۰۰۰	۷۹	رد

یادداشت. سطح خطا در تمامی موارد ۰/۰۵ است.

۳.۶ نتایج دور دوم (ویژگی‌های مدل مطلوب نظارت شرعی)

پس از انجام مرحله اول دلفی، این نتیجه حاصل شد که خبرگان ضمن تأیید ۲۰ ویژگی اولیه ارائه شده، هفت ویژگی جدید را که لازم است در الگوی مطلوب نظارت شرعی در کشور وجود داشته باشد مطرح نمودند. در این راستا این هفت ویژگی به پرسش‌نامه دور اول

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

اضافه و پرسش‌نامه دوم با ۲۷ گویه در اختیار خبرگان قرار گرفت. در این پرسش‌نامه از خبرگان درخواست شد تا بر اساس طیف لیکرت مجدداً تمامی گویه‌ها را مورد اظهارنظر قرار دهند. درواقع در این پرسش‌نامه جدید، خبرگان در رابطه با هفت ویژگی جدید اظهارنظر کرده و علاوه بر این، نظرات خود را در رابطه با ۲۰ عامل گذشته تعدیل نمودند. نتایج این پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. یادآور می‌شود در اینجا هم فرض صفر، موافق (پیروزی) و فرض جایگزین، مخالف (شکست) در نظر گرفته شد. نتایج این تحلیل در جدول ۶ ارائه شده است.

جدول ۵

نظرات خبرگان در مورد الگوی ایده‌آل و مطلوب نظارت شرعی

شماره	گویه	سطح معنی‌داری	درصد موافقت	تایید یا رد فرضیه پایه
۱	ارائه الگوی نظارت شرعی برای نظام بانکی کشور، اقدامی ضروری بوده و می‌تواند میزان اسلامی‌بودن عملکرد نظام بانکی کشور و اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا را تقویت کند.	۰/۰۰۰	۹۲	رد
۲	بانک مرکزی و نه سایر نهادهای نظارتی (به‌عنوان نمونه سازمان بازرسی کل کشور، سازمان حسابرسی کل کشور، سازمان حسابداری، انجمن حسابداران خبره ایران و غیره) مناسب‌ترین نهادی است که می‌تواند با همکاری خود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، مسئله نظارت بر اجرای صحیح بانکداری بدون ربا در کشور را عملیاتی کند.	۰/۰۰۰	۸۹	رد
۳	با توجه به اینکه کشور جمهوری اسلامی ایران از جمله معدود کشورهایی است که در آن قانون بانکداری بدون ربا به تصویب رسیده، تمامی مؤسسات بر اساس بانکداری اسلامی به فعالیت مشغول‌اند (بانکداری سنّتی در آن جایی نداشته) و از طرفی بزرگ‌ترین بانک‌های جهان اسلام نیز در این کشور قرار دارند، الگوی مطلوب نظارت شرعی، الگویی حداکثری است که باید با تعامل سازنده بانک مرکزی و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری اجرایی شود.	۰/۰۰۰	۹۰	رد
۴	الگوی نظارت شرعی فقط زمانی قابلیت اجرا در نظام بانکی کشور را پیدا می‌کند که ویژگی‌های خاصی را که در نظام بانکی کشور وجود دارد، در خود لحاظ نموده و در تعامل سازنده بین بانک مرکزی از یک سو و بانک‌ها و مؤسسات اعتباری از سمت دیگر اجرایی گردد.	۰/۰۰۰	۹۶	رد

یادداشت. سطح خطا در تمامی موارد ۰/۰۵ است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

در تحلیل نتایج این جدول می‌توان این‌طور بیان نمود که سطح معنی‌داری محاسبه‌شده برای تمامی ۲۷ ویژگی کمتر از میزان آلفای پژوهش (پنج درصد) است و بنابراین می‌توان گفت فرض صفر رد شده و خبرگان با تمامی ویژگی‌های مطرح‌شده موافق هستند. از این‌رو، می‌توان مدعی بود که به طور میانگین ۳۲ خبره پژوهش معتقدند که الگوی مطلوب نظارت شرعی بر شبکه بانکی کشور لازم است «بومی» بوده و اقتضائات و ویژگی‌های خاص نظام بانکی کشور را در خود لحاظ نماید. البته، وزن و یا رتبه این ویژگی‌ها یکسان نبوده و برخی از آنها مهم‌تر و برخی کم‌اهمیت‌تر هستند که در دور سوم، به این موضوع (رتبه‌بندی ویژگی‌ها) پرداخته می‌شود.

۴.۶ نتایج دور سوم (رتبه‌بندی ویژگی‌های مدل مطلوب نظارت شرعی)

یافته‌های مرحله دوم دلفی نشان داد که خبرگان تمامی ۲۷ گویه مطرح‌شده را مورد تأیید قرار دادند که این خود، نشان‌دهنده شکل‌گیری اجماع نسبی است. با توجه به این مطلب، در مرحله سوم دلفی تمرکز بر مقوله رتبه‌بندی ویژگی‌ها قرار گرفت. با طراحی پرسش‌نامه‌ای بسته، از خبرگان خواسته شد نظر نهایی خود را در رتبه‌بندی عوامل را بیان نمایند. یادآوری می‌شود در پرسش‌نامه دور سوم، میانگین نمره و یا امتیازی که مجموع خبرگان در دور دوم به هر یک از گویه‌ها داده بودند نیز در یک ستون درج گردید و از خبرگان درخواست شد تا با توجه به میانگین امتیاز تخصیص‌یافته، در صورت نیاز به اصلاح امتیازاتی که در دورهای پیشین به هر یک از گویه‌ها داده بودند، بپردازند.

نتایج این پرسش‌نامه از طریق آزمون تحلیل واریانس فریدمن تحلیل شد. فرضیه صفر آن بود که از نظر خبرگان بانکداری اسلامی، رتبه و یا میزان اهمیت تمامی ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی با یکدیگر برابر است. در مقابل فرض جایگزین بر این مطلب تأکید داشت که حداقل رتبه دو ویژگی با یکدیگر تفاوت معنی‌داری دارد. نتایج آزمون فریدمن در جدول ۷ ارائه شده است.

در تحلیل نتایج جدول ۷ می‌توان این‌طور بیان نمود که سطح معنی‌داری محاسبه‌شده کمتر از میزان آلفای پژوهش (پنج درصد) است و بنابراین داده‌های نمونه دلیل محکمی برای پذیرش فرض صفر در سطح اطمینان ۹۵ درصد ارائه نمی‌دهند؛ از این‌رو، فرضیه جایگزین رد نمی‌شود. به عبارت دیگر، به احتمال ۹۵ درصد می‌توان ادعا نمود که بر اساس نظر خبرگان، بین رتبه ۲۷ ویژگی الگوی مطلوب نظارت شرعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. ترتیب و اولویت اهمیت ویژگی‌های درون‌زا و برون‌زا به‌ترتیب در جداول ۸ و ۹ آورده شده است.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۶

نظرات خبرگان در مورد ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی

شماره	ویژگی‌های پیشاوقوع (پیش از راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و موسسات اعتباری)	سطح معنی‌داری	درصد موافقت	تایید یا رد فرضیه پایه
۱	رسمی و قانونی‌شدن جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی	۰/۰۰۰	۸۴	رد
۲	افزایش اختیارات شورای فقهی بانک مرکزی	۰/۰۰۰	۸۱	رد
۳	ارتباط مؤثر و نظام‌مند شورای فقهی بانک مرکزی با شورای نگهبان	۰/۰۰۸	۶۹	رد
۴	ارتباط مؤثر و نظام‌مند شورای فقهی بانک مرکزی با دفتر رهبری	۰/۰۰۱	۷۳	رد
۵	ارتباط مؤثر و نظام‌مند شورای فقهی بانک مرکزی با مراجع تقلید	۰/۰۰۰	۷۸	رد
۶	اختیاری‌بودن نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۰/۰۰۰	۸۹	رد
۷	تشویقی‌بودن نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۰/۰۰۰	۸۷	رد
۸	وجود آیین‌نامه و دستورالعمل مشخص برای نظارت شرعی	۰/۰۰۰	۹۲	رد
۹	شایستگی (competence)	۰/۰۰۰	۹۸	رد
۱۰	مشورت‌گیری از صاحب‌نظران ویژگی‌های پساوقوع (پس از راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری)	۰/۰۰۰	۹۵	رد
۱۱	اطمینان از اجرای صحیح و واقعی عقود مورد استفاده توسط بانک یا مؤسسه اعتباری	۰/۰۰۰	۷۸	رد
۱۲	ارائه خدمات مشورتی در زمینه انطباق با شریعت	۰/۰۰۰	۸۸	رد
۱۳	تعامل سازنده بین شورای فقهی بانک با سایر بخش‌ها و ادارات مرتبط	۰/۰۰۰	۸۵	رد
۱۴	توسعه دانش حرفه‌ای اعضای شورای فقهی	۰/۰۰۰	۹۰	رد
۱۵	نظارت پیوسته شورای فقهی بانک مرکزی بر عملکرد شورای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۰/۰۰۸	۶۹	رد
۱۶	استقلال	۰/۰۰۰	۸۷	رد
۱۷	گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها به مجمع عمومی	۰/۰۰۰	۷۵	رد
۱۸	گزارش‌دهی شورای فقهی بانک مرکزی به مجمع عمومی بانک	۰/۰۰۰	۷۴	رد
۱۹	انتخاب اعضای شورای فقهی بانک مرکزی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی با مشورت مراجع تقلید	۰/۰۰۰	۹۶	رد
۲۰	حضور نمایندگان مراجع تقلید در شورای فقهی بانک مرکزی	۰/۰۰۰	۸۳	رد
۲۱	اختصاص وقت کافی	۰/۰۰۰	۹۴	رد

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

ادامه جدول ۶

نظرات خبرگان در مورد ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی

شماره	ویژگی‌های پساوقوع (پس از راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری)	سطح معنی‌داری	درصد موافقت	تایید یا رد فرضیه پایه
۲۲	رصد تحولات بانکداری اسلامی در جهان توسط شورای فقهی بانک مرکزی و تلاش در راستای ایجاد تعامل سازنده با بانک‌های اسلامی در سایر کشورها	۰/۰۳۶	۶۵	رد
۲۳	گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها به سپرده‌گذاران	۰/۰۱۸	۶۷	رد
۲۴	گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها در رابطه با فعالیت‌های ناصحیح همراه با شیوه‌های اصلاحی به هیئت مدیره	۰/۰۳۶	۶۵	رد
۲۵	سازگاری	۰/۰۰۰	۹۳	رد
۲۶	دراختیارداشتن اطلاعات	۰/۰۰۱	۷۳	رد
۲۷	رازداری	۰/۰۰۰	۸۱	رد

یادداشت. سطح خطا در تمامی موارد ۰/۰۵ است.

یافته‌های جدول ۸ نشان می‌دهد که اولین و مهم‌ترین ویژگی پیش از اجرایی‌شدن نظارت شرعی و تشکیل شورای فقهی، توجه به مقوله شایستگی است. لازم است افرادی شایسته و دارای توانایی مناسب در شورای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حضور یابند. این شایستگی ابعاد مختلفی خواهد داشت که شایستگی علمی و اخلاقی برخی از آنها است. مسلماً انتخاب افراد شایسته به‌عنوان اعضای شورای فقهی، از مشکلات بسیاری که ممکن است در آینده به‌وجود آید، جلوگیری می‌کند. دومین ویژگی مهم، وجود آیین‌نامه و دستورالعمل مشخص برای نظارت شرعی است. خبرگان تأکید دارند که باید چارچوب قانونی و حقوقی مشخصی برای نظارت شرعی وجود داشته باشد که در آن جهت‌دهی‌های نظارت شرعی مشخص باشد.

سومین و چهارمین ویژگی بر اختیاری و تشویقی‌بودن نظارت شرعی تأکید دارند. این دو ویژگی بیان می‌دارند که حالت بهینه آن است که بانک‌ها و مؤسسات اعتباری در پاسخ به این پرسش که «آیا مایل‌اند نظارت شرعی داشته باشند یا خیر» کاملاً آزاد باشند. البته، اگر بخواهند نظارت شرعی داشته باشند، طبعاً باید در چارچوب موردتأیید و آیین‌نامه مرتبط فعالیت کنند. همچنین، از نظر خبرگان لازم است بانک مرکزی و سایر نهادهای حاکمیتی، از مؤسساتی که به‌صورت اختیاری نظارت شرعی را درون مجموعه راه‌اندازی و عملیاتی می‌کنند، تقدیر نموده و آنها را مورد تشویق قرار دهند. این تشویق می‌تواند به‌صورت‌های

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

مختلف باشد که دادن گواهی انطباق با شریعت، اجازه تبلیغات به‌عنوان برند بانکداری اسلامی، درنظرگرفتن بخشش‌های مشخص در نرخ‌های اضافه‌برداشت و غیره، تنها می‌تواند برخی از این تشویق‌ها باشد.

جدول ۷

نتایج آزمون تحلیل واریانس فریدمن در رابطه با رتبه ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی

آماره محاسبه شده	درجه آزادی	سطح معنی‌داری	سطح خطا	نتیجه آزمون
۷۸/۶۶۵	۲۷	۰/۰۰۰	۰/۰۵	رد فرضیه پایه

جدول ۸

رتبه‌بندی ویژگی‌های پیشاوقوع در رابطه با الگوی مطلوب نظارت شرعی (نتایج آزمون فریدمن)

ویژگی‌های پیشاوقوع (قبل از راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری)	رتبه کسب‌شده
شایستگی	۱
وجود آیین‌نامه و دستورالعمل مشخص برای نظارت شرعی	۲
اختیاری بودن نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۳
تشویقی بودن نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۴
مشورت‌گیری از صاحب‌نظران	۵
رسمی و قانونی‌شدن جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی	۶
افزایش اختیارات شورای فقهی بانک مرکزی	۷
ارتباط مؤثر و نظام‌مند شورای فقهی بانک مرکزی با مراجع تقلید	۸
ارتباط مؤثر و نظام‌مند شورای فقهی بانک مرکزی با دفتر رهبری	۹
ارتباط مؤثر و نظام‌مند شورای فقهی بانک مرکزی با شورای نگهبان	۱۰

درحالی‌که تأکید بر ضرورت مشورت‌گیری از اهل فن، پنجمین رتبه را به خود اختصاص می‌دهد، رسمی شدن و افزایش اختیارات شورای فقهی بانک مرکزی، در رتبه‌های شش و هفت قرار دارند. خبرگان با تأیید این دو ویژگی بیان نموده‌اند که شورای فقهی بانک مرکزی رکن اساسی نظارت شرعی در کشور بوده و لذا نمی‌تواند تنها جایگاه مشورتی و یا اختیاری داشته باشد؛ به‌نحوی‌که با تغییر دولت و یا تغییر مدیریت (که در کشور ما زیاد اتفاق می‌افتد) جهت‌گیری‌های این شورا کاملاً عوض گردد. بنابراین لازم است شورای فقهی بانک مرکزی (مانند شورای فقهی بانک‌های مرکزی بسیاری از کشورهای اسلامی و یا کمیته فقهی سازمان بورس و اوراق بهادار) جایگاه رسمی پیدا کند و متولی و ناظر اصلی شوراهای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری نیز باشد.

سه ویژگی آخر بر مقوله ارتباط شورای فقهی با مراجع تقلید، دفتر رهبری و شورای

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نگهبان تأکید دارد. اهمیت این ویژگی‌ها زمانی بهتر درک می‌گردد که توجه شود هر کشوری به الگوی بومی نظارت شرعی خاص خود نیاز دارد. یکی از واقعیت‌های نظام حقوقی کشور ایران آن است که (برخلاف بسیاری از دیگر کشورها)، سه نهاد یعنی مراجع تقلید، رهبری و شورای نگهبان دارای نقش بسیار برجسته‌ای در کشور هستند و لازم است در الگوی نظارت شرعی بومی‌شده برای ایران، به جایگاه این نهادها توجه شود. در این رابطه بارها دیده شده است که بانک مرکزی و یا بانک‌ها اقدام به انجام عملیات خاصی یا استفاده از ابزار مالی مشخصی نموده‌اند و بلافاصله با واکنش نهادهای مذکور (به‌ویژه مراجع تقلید) مواجه شده‌اند. خبرگان با درک این ضرورت، تأکید کرده‌اند که لازم است شورای فقهی بانک مرکزی به‌صورت پیوسته با این نهادها در ارتباط باشد و تلاش کند با ایجاد تعامل، از تقابل‌های احتمالی جلوگیری کند.

یافته‌های جدول ۹ به ویژگی‌های نظارت شرعی پس از اجرا می‌پردازد و به این پرسش پاسخ می‌دهد که پس از آنکه شورای فقهی بانک مرکزی و بانک‌ها تشکیل شد، لازم است چه ویژگی‌هایی را در خود داشته باشد تا بتواند عملکرد موفقی از خود بروز دهد؟ در این رابطه «اختصاص وقت کافی» اولین و مهم‌ترین ویژگی است. خبرگان تأکید دارند که عملیاتی‌شدن صحیح نظارت شرعی در اولین گام، مستلزم آن است که فقها و کارشناسانی انتخاب شوند که وقت و انرژی کافی جهت نظارت شرعی اختصاص دهند.

سازگاری احکام و خدمات شورای فقهی با فقه شیعه و نظام حقوقی کشور و همچنین توسعه دانش حرفه‌ای اعضای شورای فقهی دو ویژگی بعدی را تشکیل می‌دهند. پاسخگویی شورای فقهی به نیازهای شرعی ذی‌نفعان (مثلاً پاسخ به پرسش‌های شرعی مدیران، کارمندان، سهام‌داران و مشتریان) ویژگی چهارمی است که مورد تأیید خبرگان است. مستقل‌بودن شورای فقهی در تصمیم‌گیری و عدم تأثیرپذیری از خواسته‌های مدیریت و همچنین تعامل سازنده بین شورای فقهی بانک با سایر بخش‌ها و ادارات مرتبط ویژگی‌های بعدی را تشکیل می‌دهند.

فراهم‌بودن امکان حضور نمایندگان مراجع تقلید در شورای فقهی بانک مرکزی یکی دیگر از ویژگی‌های مهمی است که مورد تأیید خبرگان است. مسلماً وجود نمایندگان مراجع محترم تقلید، زمینه تعامل بهتر بین حاکمیت و مراجع را فراهم نموده و از این رهگذر، اختلافات فقهی موجود پیش از آنکه علنی گردند، شناسایی شده و در صورت امکان برای آنها راه‌حل‌هایی که مورد اجماع و تأیید اکثر مراجع باشد، کشف می‌گردد.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

جدول ۹
رتبه‌بندی ویژگی‌های پساوقوع در رابطه با الگوی مطلوب نظارت شرعی (نتایج آزمون فریدمن)

ویژگی‌های پساوقوع (قبل از راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری)	رتبه کسب شده
اختصاص وقت کافی	۱
سازگاری	۲
توسعه دانش حرفه‌ای اعضای شورای فقهی	۳
ارائه خدمات مشورتی در زمینه انطباق با شریعت	۴
استقلال	۵
تعامل سازنده بین شورای فقهی بانک با سایر بخش‌ها و ادارات مرتبط	۶
حضور نمایندگان مراجع تقلید در شورای فقهی بانک مرکزی	۷
رازداری	۸
اطمینان از اجرای صحیح و واقعی عقود مورداستفاده توسط بانک یا مؤسسه اعتباری	۹
گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها به مجمع عمومی	۱۰
انتخاب اعضای شورای فقهی بانک مرکزی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی با مشورت مراجع تقلید	۱۱
گزارش‌دهی شورای فقهی بانک مرکزی به مجمع عمومی بانک	۱۲
دراختیارداشتن اطلاعات	۱۳
نظارت پیوسته شورای فقهی بانک مرکزی بر عملکرد شورای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری	۱۴
گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها به سپرده‌گذاران	۱۵
گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها در رابطه با فعالیت‌های ناصحیح همراه با شیوه‌های اصلاحی به هیئت مدیره	۱۶
رصد تحولات بانکداری اسلامی در جهان توسط شورای فقهی بانک مرکزی و تلاش در راستای ایجاد تعامل سازنده با بانک‌های اسلامی در سایر کشورها	۱۷

رازداری هشتمین رتبه را در ویژگی‌های الگوی مطلوب و بومی نظارت شرعی برای ایران، پس از راه‌اندازی، به خود اختصاص می‌دهد. شورای فقهی در هنگام انجام وظیفه نظارتی خود، اطلاعاتی خاص در رابطه با ابزارها و شیوه‌های مورد استفاده توسط بانک کسب می‌نمایند که لازم است از افشای آنها بدون اجازه مسئولان بانک خودداری نمایند.

همان‌طور که در پیش‌تر اشاره گردید، یکی از ابعاد و کارویژه‌های مهم نظارت شرعی، اطمینان از اجرای صحیح و واقعی عقود مورداستفاده توسط بانک یا مؤسسه اعتباری است. در این راستا لازم است شورای فقهی تلاش کند تا با بررسی‌های موردی و بازرسی‌های سرزده، وضع موجود استفاده صحیح از عقود و همچنین کشف بهترین شیوه‌های تفهیم عقود به مشتریان را استخراج نموده و جهت اجرا در اختیار مسئولان مرتبط (به‌ویژه دایره اعتبارات)

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

قرار دهد.

ویژگی دهم گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به مجمع عمومی است. در این رابطه خبرگان تأکید کرده‌اند که در مدل نظارت شرعی مناسب برای نظام بانکی کشور، لازم است شوراهای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، به‌صورت سالانه نسبت به تدوین «گزارش انطباق با شریعت فعالیت‌ها» اقدام نموده و آن را به مجمع عمومی (سهامداران) ارائه کنند.

ویژگی‌های یازدهم و دوازدهم به‌طور خاص به شورای فقهی بانک مرکزی می‌پردازد. در این دو ویژگی تأکید می‌شود که در انتخاب اعضای شورای فقهی بانک مرکزی توسط مجمع عمومی بانک مرکزی، بهتر است نظر مشورتی مراجع تقلید کسب گردد و در صورت امکان نماینده‌ای از آنها نیز در این شورا حضور داشته باشد (حداقل به‌عنوان عضو مدعو). همچنین لازم است شورای فقهی بانک مرکزی به‌صورت سالانه، گزارش انطباق با شریعت فعالیت‌های بانک مرکزی (با تأکید بر مشروعیت ابزارهای سیاست پولی) را تهیه نموده و به مجمع عمومی بانک مرکزی ارائه نماید.

پنج ویژگی آخر نیز به‌ترتیب به این موضوعات اختصاص می‌یابند: دراختیارداشتن اطلاعات، نظارت پیوسته شورای فقهی بانک مرکزی بر عملکرد شوراهای فقهی بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها به سپرده‌گذاران، گزارش‌دهی شورای فقهی بانک‌ها در رابطه با فعالیت‌های ناصحیح همراه با شیوه‌های اصلاحی به هیئت مدیره و رصد تحولات بانکداری اسلامی در جهان توسط شورای فقهی بانک مرکزی و تلاش در راستای ایجاد تعامل سازنده با بانک‌های اسلامی در سایر کشورها.

۷. نتیجه‌گیری و توصیه‌های سیاستی

پژوهش حاضر تلاش کرد تا الگوی مطلوب نظارت شرعی برای نظام بانکی کشور را موردتوجه قرار دهد؛ به‌گونه‌ای که ضمن بررسی تجارب بین‌المللی و گونه‌شناسی آنها، به این پرسش پاسخ دهد که الگوی مطلوب نظارت شرعی برای نظام بانکی کشور کدام است و چه ویژگی‌هایی لازم است داشته باشد؟ به‌منظور پاسخ به این پرسش، به نظرات آن دسته از صاحب‌نظران بانکداری اسلامی مراجعه شد که اولاً در حوزه بانکداری اسلامی کارشناس بوده و ثانیاً، با نظام بانکی نیز آشنایی کافی داشتند. با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده، نتایج مختلفی به‌دست می‌آید که در ادامه گزارش می‌شوند.

۱) در پرسش‌نامه مقدماتی اول که در دور اول دلفی جای داده شده بود، وضعیت موجود نظارت شرعی در سه دهه‌ای که از اجرای قانون عملیات بانکی بدون ربا می‌گذرد مورد

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

پیمایش قرار گرفت. نتایج این پرسش‌نامه که با طیف لیکرت برگزار گردید، از طریق آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که ۳۲ خبره پژوهش، معتقدند که در سه دهه گذشته قانون عملیات بانکی بدون ربا به خوبی اجرایی نشده است و نظارت شرعی متناسب با آن، نه در بانک مرکزی و نه در خود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری به‌صورت صحیح عملیاتی نشده است.

۲) خبرگان بانکداری اسلامی در کشور معتقدند که درحال‌حاضر تعداد زیادی از عقود بانکی به‌صورت صوری اجرا می‌شود و در قراردادهای منعقده به حقوق مشتریان توجه کافی نمی‌شود. علاوه بر این، فرضی نانوشته در ذهن متصدیان بانکداری در کشور شکل گرفته و آن این است که تأیید قانون عملیات بانکی بدون ربا توسط شورای نگهبان، شرعی‌بودن فعالیت‌ها در عمل را نیز تضمین می‌کند. درنهایت خبرگان تأکید نموده‌اند که نه بانک مرکزی و نه خود بانک‌ها و مؤسسات اعتباری، وظیفه نظارت بر انطباق با شریعت فعالیت‌ها را به‌خوبی انجام نداده‌اند.

۳) در پرسش‌نامه مقدماتی دوم که در دور اول دلفی قرار گرفته بود، از طریق چهار پرسش مندرج با طیف لیکرت، بر مقوله الگوی مطلوب نظارت شرعی و آنچه باید باشد، تمرکز گردید. نتایج این پرسش‌نامه نیز از طریق آزمون دوجمله‌ای مورد تحلیل قرار گرفت. یافته‌های این تحلیل نشان می‌دهد که بر اساس نظر خبرگان، راه‌اندازی نظارت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری کشور به اجرای بهتر قانون عملیات بانکی بدون ربا کمک می‌نماید و لازم است بانک مرکزی مسئولیت آن را برعهده داشته باشد. همچنین از منظر خبرگان، لازم است الگوی نظارت شرعی در نظام بانکی کشور مدلی حداکثری بوده و ویژگی‌ها و اقتضائات خاص ایران را نیز در خود جای داده باشد.

۴) در پرسش‌نامه سوم به ویژگی‌هایی که لازم است در الگوی مطلوب نظارت شرعی در ایران وجود داشته باشد، پرداخته شد. بر اساس نتایج این مرحله می‌توان مدّعی بود که بر اساس نظر خبرگان، الگوی مطلوب نظارت شرعی بر شبکه بانکی کشور لازم است «بومی» بوده و اقتضائات و ویژگی‌های خاص نظام بانکی کشور را در خود لحاظ نماید. البته وزن و یا رتبه این ویژگی‌ها یکسان نبوده و برخی از آنها مهم‌تر و برخی کم‌اهمیت‌تر هستند.

۵) در دور سوم دلفی به مقوله رتبه‌بندی پرداخته شد. با طراحی پرسش‌نامه‌ای بسته، از خبرگان خواسته شد نظر نهایی خود را در رتبه‌بندی عوامل بیان نمایند. نتایج این پرسش‌نامه از طریق آزمون تحلیل واریانس فریدمن مورد بررسی قرار گرفت. نتایج آزمون آماری نشان داد که بر اساس نظر خبرگان، بین رتبه ۲۷ ویژگی الگوی مطلوب

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

نظارت شرعی تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج آزمون فریدمن همچنین رتبه‌بندی ویژگی‌های الگوی مطلوب نظارت شرعی را در دو بخش «پیش از اجرا» و «پس از اجرا» ارائه نمود.

با توجه به تحلیل‌های ارائه‌شده و با توجه به نظرات دریافت‌شده از خبرگان بانکداری اسلامی در کشور، می‌توان توصیه‌های سیاستی ذیل را ارائه نمود:

۱) در قانون عملیات بانکی بدون ربا، به نظارت شرعی اشاره‌ای نشده است. با توجه به اهمیت مسئله، پیشنهاد می‌شود این مقوله به قانون مذکور اضافه شود.

۲) اجرای صحیح قانون عملیات بانکی بدون ربا، نیازمند اصلاح ساختار نظارتی فعلی بانک مرکزی و تقویت آن به‌نحوی است که نظارت بر شرعی‌بودن عملیات بانکی هم در کنار سایر مقوله‌ها موردتوجه قرار گیرد. در این راستا پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تدوین دستورالعملی مشخص جهت ارتقای جایگاه شورای فقهی بانک مرکزی اقدام ورزد.

۳) با توجه به اینکه تمامی بانک‌های کشور اسلامی هستند، لذا امکان نظارت شورای فقهی بانک مرکزی بر تمامی آنها وجود ندارد و ازاین‌رو لازم است خود مؤسسات نیز در این فرایند مشارکت نمایند. در این راستا پیشنهاد می‌شود بانک مرکزی جمهوری اسلامی ایران نسبت به تدوین دستورالعملی مشخص در جهت زمینه‌سازی تشکیل شوراهای فقهی در بانک‌ها و مؤسسات اعتباری حرکت نماید.

۴) با توجه به جدیدبودن نظارت شرعی در نظام بانکی، لازم است از هر گونه شتاب خودداری شود. در این راستا پیشنهاد می‌شود تشکیل شوراهای فقهی در بانک‌ها در ابتدا کاملاً اختیاری بوده و مؤسساتی که در این فرایند وارد شده و نسبت به ارزیابی شرعی‌بودن فعالیت‌های خود اقدام نمایند، مورد تشویق بانک مرکزی قرارگیرند.

در پایان یادآوری می‌شود که مباحث مطرح شده در این پژوهش اولیه بوده و صرفاً اهمیت موضوع نظارت شرعی و برخی از ابعاد آن را باز می‌کند. ازاین‌رو، لازم است پژوهش‌های آینده ضمن بررسی سایر مباحث مرتبط، زمینه اجرایی شدن نظارت شرعی در نظام بانکی کشور را فراهم کنند.

فهرست منابع

احمدی، ف.، نصیریانی، خ.، و اباذری، پ. (۱۳۸۷). تکنیک دلفی: ابزاری در تحقیق. *مجله ایرانی آموزش در علوم پزشکی*، ۸، ۲۴-۴۹.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]

ایمانی جاجرمی، ح. (۱۳۷۹). آشنایی با روش دلفی و کاربرد آن در تصمیم‌گیری. دو فصلنامه مدیریت و برنامه‌ریزی شهری، ۱، ۷-۳۱.

خلیلی شورینی، س. (۱۳۸۶). *روش‌های تحقیق در علوم انسانی*. تهران: انتشارات یادواره کتاب.

سرمد، ز.، بازرگان، ع.، و حجازی، ا. (۱۳۸۹). *روش‌های تحقیق در علوم رفتاری*. تهران: انتشارات آگاه.

قطان، م. (۱۳۸۸). *معماری مالی اسلامی: مدیریت ریسک و ثبات مالی*. قم: نشر اندیشه‌ورزان.

کمسیون اوراق بهادار مالزی (۱۳۸۵). *مصوبات شورای مشورتی شرعی کمسیون اوراق بهادار مالزی*. ترجمه مهدی نجفی و سید سعید شمسی‌نژاد، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق (ع).

موسویان، س. ع.، میسمی، ح.، محمدزاده، م.، و خوانساری، ر. (۱۳۹۱) حاکمیت شرعی در بانک‌ها و مؤسسات مالی اسلامی انگلستان و مقایسه آن با ایران. *نشریه تحقیقات مالی اسلامی*، ۲، ۷۷-۹۶.

موسویان، س. ع.، نظرپور، م. ن.، و کفشگر جلودار، ح. (۱۳۸۸). نقش شورای تخصصی فقهی در ارتقای سطح مشروعیت و کارایی بانک‌های اسلامی. *فصلنامه اقتصاد اسلامی*، ۳۶، ۲۲-۴۵.

Islamic Financial Services Board, (2009). *Guiding principles on Shariah governance system for institutions offering Islamic financial services*. Kuala Lumpur: Islamic Financial Services Board.

Zulkifli, H. (2010). Regulatory framework of Shari'ah governance system in Malaysia, GCC Countries and the UK. *Kyoto Bulletin of Islamic Area Studies*, 3, 83-105.

Zulkifli, H. (2011). A survey on Shari’ah governance practices in Malaysia, GCC countries and the UK: Critical appraisal. *International Journal of Islamic and Middle Eastern Finance and Management*, 4, 120-141.

Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions, (2010). Accounting, *Auditing and governance standards for Islamic financial institutions*. Bahrain: Accounting and Auditing Organization for Islamic Financial Institutions.

Tapio, P. (2003). Disaggregative Policy Delphi: Using cluster analysis as a tool for systematic scenario formation. *Technological Forecasting and Social Change*, 70, 59-83.

Theodore, J., & Gordon, M. (2009). *The millennium project: futures research methodology*. New York: Amer Council for the United Nations.

[Downloaded from jmbr.mbri.ac.ir on 2026-11-05]